راه توده

۳۶ صفحه

دوره دوم شماره "۴۹" تیرماه ۱۳۷۵

دیدار و گفتگو با پروانه فروهر

(عضو رهبری حزب ملت ایران)

* هر نیروئی که برای استقلال و آزادی مبارزه کند، در "اتحاد حزب‌ها و نیروها" جای دارد! (ص ۱۶ـ۱۴)

پیامدهای انتخابات مجلس آشکار می‌شود!

جبهه بندی های جدید در ج.ا.

پیامدهای انتخابات اخیر ایران، در اشکال و جبهه‌های مختلف ادامه دارد. این پیامدها و جبهه‌ها را باید شناخت و مواضع خود را در برابر آن‌ها روشن کرد. آمال و آرزوها پیرامون این پیامدها و جانشین ساختن آنها با پیامدهای دیگر می‌توانند بر سر جای خود باقی بمانند، اما در شرایط کنونی ایران باید از آنچه که هست و در برابر ما قرار دارد، صحبت کرد و برای تاثیر گذاری بر آن وارد میدان شد. این همان سیاستی است، که "راه‌توده" در ارتباط با انتخابات اخیر برگزید و اکنون با گذشت چند ماه، بسیاری از نیروها و شخصیت‌های سیاسی داخل کشور، با گرایش‌های گوناگون سیاسی به همان نتایجی رسیده‌اند که ما رسیده بودیم. این واقعیت‌بینی در خارج از کشور نیز به چشم می‌خورد، اگر چه صراحت و صداقت کلام نیروهای داخل کشور را نداشته باشد!

پیامدها و جبهه ها

انکار ناپذیرترین حاصل انتخابات اخیر، شکست ارتجاع و یورشی است که طرد شدگان از سوی مردم، برای باقی ماندن در بالاترین ارکان حکومتی بدان دست زده‌اند. این یورش در دو جبهه مبارزه با باصطلاح "لیبرالیسم" و در حقیقت مبارزه با آزادی‌خواهی و محدود کردن بازهم بیشتر آزادی‌های موجود در جمهوری اسلامی، و جبهه "اسلامی کردن دانشگاه‌ها"، دو هدف را دنبال می‌کند:

۱ـ منزوی ساختن آن بخش از حکومت، که دفاع از آزادی‌های موجود را دفاع از حیات سیاسی خود نیز ارزیابی کرده است. (مبارزه با لیبرالیسم)

۲ـ درهم کوبیدن صف نیروهای چپ مذهبی ایران، که بصورت بسیار آشکار دانشگاه‌های ایران و انجمن‌های اسلامی را با شعارهای عدالت خواهانه و آزادی طلبانه (گرچه در محدوده دیدگاه‌های مذهبی) پایگاه خود ساخته و از این طریق به حکومت فشار وارد می‌آورد. (مبارزه برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها)

این دو جبهه، از هر دو سو، تا درون نیروهای بسیج و سپاه و دیگر ارگان‌های حکومتی ادامه یافته‌است. در حالیکه بسیاری از فرماندهان سپاه و بسیج در صف ارتجاع قرار گرفته و بدین طریق از منافع خود دفاع می‌کنند، در بدنه و در میان فرماندهان رده‌های پائین‌تر، گرایش به هر دو جبهه‌ای که تحت فشار ارتجاع قرار دارد آشکار است. حوادث اصفهان و دو دستگی در میان نیروهای مسلح و انتخابات مرحله دوم تهران که تنها بسیج ناحیه شرق تهران حاضر شد بصورت عملی به نفع روحانیت مبارز و موتلفه اسلامی وارد میدان شود، نمونه‌های بارز این گرایش‌هاست.

بصورت بسیار طبیعی، ارتجاع تلاش دارد از اشتراک موضع‌گیری نیروهای حاضر در دو جبهه‌ای که با آنها با شعار مبارزه با لیبرالیسم و اسلامی کردن دانشگاه‌ها به ستیز برخاسته، جلوگیری کند. حمله به روشنفکران و نیروهای مترقی غیر مذهبی جامعه نیز با هدف جلوگیری از ورود آنها به این کارزار و تقویت این دو جبهه صورت می‌گیرد. برنامه تلویزیونی "هویت"، که زشت‌ترین اصطلاحات و زننده‌ترین توهین‌ها را نسبت به این روشنفکران روا می‌دارد و گردانندگان آن وابستگان مستقیم موتلفه اسلامی و حجتیه هستند، همین هدف را دنبال می‌کند.

این جبهه بندی و سنگرسازی درعرصه‌های دیگر نیز جریان دارد: (صفحات ۳ و ۳۶ را بخوانید)

دنباله روی "اتحاد" نیست!

(ص۲ و ۳۴)

مردم برای سنت های مذهبی انقلاب نکردند!

(ص ۱۷)

حمله به لنینیسم "هویت" نمی آورد

(ص ۲۲)

نگاهی به انقلاب در امریکای لاتین

(ص ۳۱)

از نقش کیهان لندن نباید غافل شد

(ص ۱۲)

دادستان تهران را بشناسیم!

"رازینی" عامل قتل عام زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی است

(ص ۸)